

## صدقاشناسی نورالله با تأکید بر آیه ۸ صف

حسین قاریان\*

محمدعلی مجذوبی\*\*

### چکیده

ترکیب «نور الله» در آیات قرآن کریم، تنها در آیه ۳۲ سوره توبه و آیه ۸ سوره صف به کار رفته است. این مقاله در صدد بررسی مفهوم نور الله با محوریت آیه ۸ سوره صف است. تعبیر نور الله، نشان دهنده امر مهمی است که خداوند فرموده با وجود عناد و کراحت دشمنان، آن را تمام می‌کند. نور الله در زمان‌های مختلف مورد استناد ائمه قرار گرفته است. اضافه نور به الله از باب تخصیص است و نور الله مفهوم کلی و قابل صدق بر کثیرین دارد، ازین‌رو مفسران در معنا و تفسیر آن، مفاهیمی مانند: ایمان، اسلام، دین، قرآن، معجزات، نفس و شأن رسول الله، ولایت و امامت ائمه را بیان داشته‌اند.

### واژگان کلیدی

آیه ۸ صف، نور الله، ولایت، امامت.

h.ghareyan@gmail.com  
m110faghihi@yahoo.com  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۴

\*. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.  
\*\*. عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی.  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

## طرح مسئله

عبارت «يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَغْوَاهِهِمْ» در دو جای قرآن کریم به کار رفته است. یکی سوره توبه / ۳۲ و دیگری سوره صاف / ۸ در این عبارت، ترکیب «نورالله» نشانه یک امر بسیار مهمی است که خداوند متعال می‌فرماید، در مقابل بداندیشی‌ها، عنادها و تلاش‌های دشمنان، آن را تمام می‌کند «وَيَابِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتَمَّ نُورُهُ» (توبه / ۳۲)، نیز «وَاللَّهُ مُتَمَّنُ نُورِهِ»، (صف / ۸)؛ آیات مورد بحث به صراحت مشخص نمی‌سازد که مقصود از نوری که خداوند تمام کننده آن است، چیست. بلکه می‌فرماید: گروهی تلاش در خاموشی نور خدا دارند و خداوند مانع از این کار شده و آن را تمام می‌کند. با توجه به این اوصاف، به دست می‌آید که این نور حقیقتی است که از جانب خداوند محافظت شده و در عالم منتشر می‌گردد. با این همه، مسئله دیگر آنکه برخی از امامان معصوم<sup>ع</sup> در مواردی به این آیه شریفه استناد کرده‌اند، به عنوان نمونه، امام صادق<sup>ع</sup> هنگام دفن فرزندش اسماعیل، به موسی بن جعفر<sup>ع</sup> اشاره و آیه هشتم سوره مبارکه صفات را تلاوت می‌نماید (مازندرانی، ۱۳۷۹ / ۱: ۲۶۷)، نیز از محمودی روایت است که امام حسن عسکری<sup>ع</sup> در زندان معتمد، بر دیوار محبس آیه هشتم سوره مبارکه صفات را نوشت (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۵) از این رو سؤال این است که مقصود از نور الله چیست؟ و دلیل استناد معصومین<sup>ع</sup>، از جمله امام عسکری<sup>ع</sup> - به این آیه شریفه چه بوده است؟ مفسران شیعه و اهل سنت درباره تفسیر آیه مذکور، اختلاف نظر داشته و دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند؛ در این نوشتار، بختشی از آنها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

## مفهوم‌شناسی

الف) در لغت: نور، جمع آن انوار و مراد پرتوی است که بدان می‌توان چیزها را دید، نیز به معنای روشنایی، فروغ و ضد تاریکی است. (فراهیدی، بی‌تا: ۹۹۳) و به دنیوی و آخری تقسیم شده و نور بر دو گونه است:

یک. محسوس؛ که با چشم سر قابل دیدن است. مانند نور خورشید، ماه، ستارگان، این معنا در سوره یونس / ۵ آمده است.

دو. معقول؛ که با چشم سر قابل دریافت نیست. مانند نور عقل و نور قرآن، چنان‌که در سوره‌های مائده / ۱۵، شوری / ۵۲، زمر / ۲۲ و نور / ۳۵ ذکر شده است. واژه نور ۴۳ بار در قرآن آمده است. نور در سوره‌های حديد / ۱۲، تحریم / ۸، حديد / ۱۳، به معنای نور اخروی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۱۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۰۸؛ قرشی، ۱۳۷۶: ۷؛ ۱۲۶ / ۷؛ ۱۳۷۶: ۳۰۸)

ب) در اصطلاح: حقیقت نور است و انوار ناشناخته هستند و از طریق اثر و خاصیتش قابل شناسایی می‌باشد یا به عبارت دیگر، نور «الظاهر فی نفسه و المظہر لغیره» است به این معنا که نور به خودی خود آشکار و قابل مشاهده است و برای دیدن آن نیاز به روشنایی دیگری نیست، نیز چیزهای دیگر به سبب آن، آشکار و قابل مشاهده می‌گردند.

در آیه شریفه، اضافه نور به الله، از باب اختصاص است؛ یعنی نوری که برای خدا، مخصوص خدا و از طرف خداوند است و باید به دو نکته توجه شود:

یک. اینکه نور به الله اضافه شده به این معنا که خداوند سبب روشنی بخشی آن است و چون روشنی بخش خداوند است، از این رو عصمت داشته و تفاوت آن با نورهای دیگر این است که این نور روشنی‌گر مسیر هدایت است؛ چراکه از سوی خداوند است.

دو. مفهوم نور، کلی و قابل صدق بر کثیرین است، منتهی در نور حسی دارای شدت و ضعف بوده، از این رو برخی نورها قوی و برخی ضعیفترند مثلاً نور خورشید قوی و نور لامپ ضعیف است در حالی که هر دو نور هستند.

### شأن نزول آیه

از ابن عباس روایت شده که چهل روز به رسول الله ﷺ وحی فرود نیامد، کعب بن اشرف گفت: بر شما یهودیان بشارت و مژده باد که خدای محمد، نور او را خاموش کرد و کار او به اتمام نخواهد رسید! زمانی که رسول الله ﷺ این سخنان را شنید، ناراحت و غمگین شد، در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیه هشتم سوره صف را بر ایشان خواند «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتَمَّلِّ نُورٍ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». (زحلی، ۱۴۱۸ / ۲۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶ / ۹؛ طبرسی، ۵۹۴ / ۹؛ طوسی، ۱۳۷۲ / ۹)

### دیدگاه مفسران

مفسرین، درباره ترکیب نورالله، نظراتی را مطرح کرده‌اند که در ادامه بدان پرداخته می‌شود:

#### الف) اسلام

گروهی از مفسران، نورالله را به معنای اسلام دانسته‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۵۹۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ / ۹) معتقدان به این نظریه، به دلایلی چون ظلم بسیار، فساد و مذمت نمودن درباره اسلام تمسک جسته‌اند.

شیخ طوسی خاموش کردن نور خدا را، از بین بردن نور اسلام، با استفاده از سخنان فاسد که به سبب ظلم بسیار به وجود آمده، می‌داند «يريدون اذهاب نور الإسلام بفاسد الكلام الذي يجري مجرى تراكم الظلام» و «والله متم نوره» را به معنای تمام کردن نور اسلام دانسته و می‌گوید به غایت و نهایت می‌رسد، هرچند که کفار کراحت داشته باشد (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۵۹۴؛ چنان‌که طبرسی نیز بیان می‌دارد «يريدون ذم الإسلام ليطفئوا نور الله»؛ یعنی اراده کرده‌اند با مذمت و بدگویی درباره اسلام، نور خدا را خاموش کنند ولی خداوند نورش را (که همان اسلام است) تمام می‌کند. (طبرسی، ۹ / ۱۳۷۲؛ ۴۱۹)

### ب) قرآن

عده‌ای دیگر از مفسران، نور الله در این آیه را به معنای قرآن گرفته‌اند. (زمخشتری، ۴ / ۱۴۰۷؛ ۵۲۵ / ۴؛ ابن عاشور: بی‌تا، ۲۸ / ۱۷۱) دارندگان این دیدگاه، سحر خواندن و مذمت در مورد قرآن را به عنوان مدعای خود مطرح کرده‌اند.

همچنین زمخشری معتقد است، کفار گمان کرده‌اند که اگر قرآن را سحر بخوانند و آن را مذمت کنند، می‌توانند اسباب خاموشی اسلام را فراهم آورند اما خداوند حق را تمام و اسلام را حفظ و تبلیغ می‌کند (زمخشتری، ۴ / ۵۲۵؛ ۱۴۰۷ / ۴؛ ابن عاشور می‌گوید: کفار گمان کرده‌اند که اگر قرآن را به سحر و مانند آن تشییه کنند، اسباب خاموشی آن را فراهم ساخته و به گمان خودشان باعث خاموشی و بطلان آیات قرآن شده و دین خدا را از بین می‌برند اما خداوند نورش را تمام می‌کند و کافران به مراد و مقصودشان نمی‌رسند و این دین به سرانجام رسیده و انتشار می‌یابد. (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۸ / ۱۷۱)

### ج) دین

برخی از مفسران، نور الله را به معنای ایمان و دین گرفته‌اند. (طباطبایی، ۹ / ۱۴۱۷؛ زحیلی، ۹ / ۱۶۵؛ ۲۸ / ۱۴۱۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ / ۱۴؛ ۲۸۲ / ۲۸)

علامه طباطبایی مقصود از نور خدا را ایمان و دین دانسته و می‌گوید: «این نور خاص، به خدا نسبت داده شده است و کفار گمان می‌کنند، چنان‌که به آن نسبت سحر دهنده، نورش را خاموش کرده و رابطه‌اش با خدا قطع می‌شود و نیز مقصود از «متم نوره» آن است که خداوند، رسول الله ﷺ را با نورش همراه ساخته و مقصود از نور، همان هدایت و دین حق است و این دین بر تمام ادیان غلبه پیدا خواهد کرد، هرچند که مشرکین این غلبه را نخواهند.» (طباطبایی، ۹ / ۱۴۱۷؛ ۹ / ۱۶۵)

زحلی نیز آورده است: «بِرِيدُون لِيَطْفُوا نُورَ اللَّهِ اسْتِعْارَهُ اسْتَ وَ دَرْ مَقَامَ تَشْبِيهِ اِيْنَ اَسْتَ كَه بَگوید، کسی که اراده کرده دین خدا را باطل کند، همانند کسی است که اراده کرده نور خوشید را با فوت کردن خاموش نماید و مقصود از نورالله، دین، شریعت یا کتاب است و مقصود از «وَ اللَّهُ مَتَمْ نُورَهُ» این است که خداوند، نورش را ظاهر کرده و در آفاق و عالم نشر خواهد داد و این انتشار به معنای دعوت و پراکنده‌گی اسلام است، هر چند کفار نخواهند.» (زحلی، ۱۴۱۸: ۲۸ / ۱۶۵)

آل‌وسی نیز می‌گوید: «مِرَادٌ وَ مَقْصُودٌ اَزْ نُورَاللهِ، دِينٌ حَقٌّ تَعَالَى اَسْتَ، چنانَ كَه در روایتی از اسدی به استعاره بودن این عبارت تصريح شده است و در «بِأَفْوَاهِهِمْ» توریه صورت گرفته و این بدین معناست که کفار اراده کرده‌اند با سخنان باطل و افترا، اسباب خاموشی دین خدا را فراهم آورند ولی خداوند نورش را تمام می‌کنند» (آل‌وسی، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۲۸۲)؛ همچنان که سمرقندی در این باره می‌گوید: کفار اراده کرده‌اند، دین خدا را با سخنانشان باطل کنند ... (سمرقندی، بی‌تا: ۳ / ۴۴۴)، نیز بلخی آورده است: لِيَطْفُوا نُورَ اللَّهِ؛ يَعْنِي دِينَ اللَّهِ كَه يَهُودٌ وَ نَصَارَى بَا كَتْمَانٍ اَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَه در تورات و انجیل آمده بود، سعی در خاموشی نور خدا داشتند. (بلخی، ۱۴۲۳: ۴ / ۳۱۶)

#### ۴) وجود رسول الله ﷺ

نفس و وجود رسول الله ﷺ مصدق نورالله است، چنانکه صادقی تهرانی می‌گوید: «بِرِيدُونَ هُؤُلَاءِ الْمَكْذُوبُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ مُحَمَّداً ﷺ». (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۵۲)

#### ۵) امامت و ولایت

گروه دیگری از مفسران، نورالله را به معنای امامت و ولایت امیرمؤمنان ﷺ و ائمه ﷺ گرفته‌اند و معتقدان به این نظریه، اغلب از شیعیان می‌باشند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵ / ۳۶۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۱۷) معتقدان به این نظریه، تنها از روایات معصومین ﷺ برای تفسیر آیات قرآن استفاده نموده و روشی غیر این را نمی‌پذیرند. بحرانی، امامت امیرمؤمنان ﷺ و ائمه ﷺ را معنای واژه نور الله دانسته و آورده است: «وَاللهُ مَتَمْ نُورَهُ» به این معناست که خداوند با ظهور قائم ﷺ نورش را تمام می‌کند، هر چند که مشرکین، ولایت امیرمؤمنان ﷺ و ائمه ﷺ را نخواهند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵ / ۳۶۵)؛ چنان که حویزی می‌گوید: «لِيَطْفُوا نُورَاللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» به این معناست که اراده کرده‌اند، نور ولایت امیرمؤمنان ﷺ را با دهانشان (کنایه از بدگویی و افترا است)، خاموش کنند ولی خداوند می‌فرماید: «وَاللهُ مَتَمْ نُورَهُ؛ يَعْنِي مَتَمْ الْإِمَامَهُ وَ النُّورُ هُوَ الْإِمَامُ.» (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۱۷)

### و) جمع بین اقوال

گروهی از مفسران نیز می‌کوشند تا بین اقوال را جمع کرده و همه آنها را مطرح نمایند. (حائزی تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۱ / ۱۳۲؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۵۱۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳ / ۱۵۰)

همچنان که طیب در این باره می‌نویسد: «نور الهی اسلام است، قرآن است، پیغمبر ﷺ است، امام است و معاندین خواستند دین اسلام را از بین ببرند و قرآن را باطل کنند و پیغمبر ﷺ را به قتل برسانند و حق امام را غصب کنند و حق را خاموش کنند، لکن در مقابل قدرت الهی نمی‌توانند عرض اندام کنند و خداوند روز به روز اسلام را عظمت می‌دهد قرآن را حفظ می‌کند» (طیب، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۵۱۶)؛ همچنین یکی دیگر از مفسران می‌نویسد: «کفار اراده کرده‌اند، نور خدا را که پیغمبر و اسلام و قرآن است، با دهن‌های خود، یعنی به‌وسیله طعن زدن به گفتار ناپسندیده و سخن ناشایست خاموش کنند.» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳ / ۱۵۰)

### روايات تفسيري نور الله

رواياتی که در تفاسیر، ذیل این آیه بیان شده به دو دسته قابل تقسیم است.

رواياتی که به‌طور مستقیم به امامت ائمه علیهم السلام اشاره دارد که در ادامه ذکر خواهد شد.

رواياتی که در تقویت اقوال دیگر وارد شده است که عبارتند از:

(الف) اسدی روایت نموده که مراد از نورالله دین خدا است. (آل‌وسی، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۲۸۲)

(ب) ابن عباس و ابن زید در روایتی می‌گویند: کفار اراده می‌کنند با تکذیب نمودن قرآن، آن را باطل کنند. (همان)

(ج) قصد هلاکت رسول الله ﷺ توسط ارجیف، مطلبی است که ضحاک روایت کرده، می‌گوید:

کفار اراده کردند، رسول الله ﷺ را با سخنان بیهوده و ارجیف هلاک کنند. (همان)

(د) برخی گویند: کفار اراده کردند با کوچک جلوه دادن سخنان رسول الله ﷺ و تکذیب کردن آنها، شأن ایشان را پایین آورده و نورش را خاموش کنند. (همان)

(ه) ابن عباس روایت نموده که چهل روز بر رسول الله ﷺ وحی نشد، کعب بن اشرف گفت: بشارت باد که خدا نور محمد را خاموش کرد و کارش تمام نخواهد شد، رسول الله ناراحت شد و آیه ۸ صفحه، بر ایشان نازل گردید. (زحلی، ۱۴۱۸: ۲۸ / ۱۶۶)

(و) ابن عاشور در تفسیر آیه، ذیل «والله متم نوره» می‌گوید: مقصود تمام نمودن دین است و حدیثی را با این تعبیر ذکر می‌نماید:

وَاللَّهُ لِيَتَمَّنَ هَذَا الْأَمْرُ حَقًّا يَسِيرًا الرَّاكِبُ مِنْ صَنْعَاءِ إِلَى حَضْرَمُوتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهُ  
أَوَ الذَّئْبُ عَلَى غَنْمَهُ وَ لَكُمْ تَسْعِجُلُونَ . (ابن‌عاشر، بی‌تا: ۲۸ / ۱۷۰)

خداؤند این امر (دینش) را تمام می‌کند، همان‌گونه که سوارکاری، صنعت را  
به‌سوی حضرموت سیر می‌کند و نمی‌ترسد از کسی غیر از خداوند و یا از گرگ  
برای گوسفیدانش ولی شما عجله می‌کنید «و می‌خواهید کفار، زودتر به سزای  
اعمالشان برسند.»

چنان‌که مشاهده می‌شود، در این روایات که غالباً در کتب اهل سنت وارد شده است، به معنای  
ظاهری نورالله توجه شده و آن را به اسلام، ایمان، دین، قرآن و نفس و شأن رسول الله ﷺ  
تفسیر نموده‌اند.

### روایات ناظر به معنای امامت

الف) محمد بن فضیل می‌گوید: از امام هادی علیه السلام درباره «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» سؤال شد،  
ایشان فرمود: مقصود «يريدون ليطفئوا ولاية أمير المؤمنين علیه السلام بأفواههم» است، درباره «وَاللَّهُ مُتَمَّنٌ نُورٌ»  
سؤال شد، فرمود: «وَاللَّهُ مَتَمَّ إِلَمَامَةً» و به این آیه استناد نمودند که: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالثُّورِ  
الَّذِي أَنْزَلْنَا» (تغابن / ۸) فالثور هو الإمام، سپس درباره «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ»  
پرسیدند، فرمود: هو امر رسوله محمداً بالولاية لوصيه، والولاية هي دین الحق، از لیظهره علی الدین کله  
سؤال شد، فرمود: بظهوره علی جميع الأديان عند قيام القائم علیه السلام و لوكره الكافرون بولاية علی، در  
این هنگام از ایشان پرسیدند که آیا مقصود نزول آیه این بود؟ ایشان فرمود: نعم أما هدف الحرف  
فتذليل و أما غيره فتاویل. (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۴۴۳؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴:  
۳۱۸ و ۲۲۴ / ۳۳۴)

ب) همچنین امام هادی علیه السلام در روایت دیگری معنای نورالله در آیه را به ولایت امیر المؤمنان علیه السلام  
تفسیر نموده است:

عن أبي الحسن علیه السلام، قال: سأله عن قول الله عز و جل: يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ  
بِأَفْوَاهِهِمْ، قال: يريدون ليطفئوا ولاية أمير المؤمنين علیه السلام بأفواههم. قال: قلت قوله  
عز و جل وَاللَّهُ مُتَمَّنٌ نُورٌ؟ قال: يقول: وَاللَّهُ مَتَمَّ إِلَمَامَةً وَالإِمَامَةُ هِيَ النُّورُ وَ ذَلِكَ  
قوله تعالى: فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالثُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا - قال - [النور] هو الإمام.  
(کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۱۹۶)

ج) امام باقر علیه السلام نیز در روایتی، اتمام نور را امری ترک نشدنی از جانب پروردگار دانسته و می‌فرماید:

بِرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتَمِّنُ نُورِهِ وَاللَّهُ لَوْ تَرَكْتُمْ هَذَا الْأَمْرَ، مَا تَرَكَهُ اللَّهُ.  
اراده کرده اند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند ولی خداوند نورش را تمام  
می کند و اگر کفار امام را ترک کنند، خداوند این امر را ترک نمی کند. (حسینی  
استر آبادی، ۱۴۰۹: ۶۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲۰)

د) پیامبر اکرم علیه السلام ائمه اطهار علیهم السلام را به عنوان نورالله معرفی نموده و به مردم دستور می‌دهند که از ایشان اطاعت کنند، در حدیثی امام علی علیهم السلام چنین روایت می‌کند:

صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَنْظَرُ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ نَظَرَةً فَاحْتَارَيَ مِنْهُمْ  
ثُمَّ يَنْظَرُ ثَانِيَةً فَاحْتَارَ عَلَيْهَا أَخْيَ وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ  
وَلِيَ كُلَّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي مَنْ تَوَلَّهُ تَوَلََّ اللَّهُ وَمَنْ عَادَهُ عَادَ اللَّهُ وَمَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّ اللَّهَ وَ  
مَنْ أَبْعَضَهُ أَبْعَضَهُ [أَبْعَضَ] اللَّهُ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْخِضُهُ إِلَّا كَافِرٌ وَهُوَ  
بُورُ الْأَرْضِ بَعْدِي وَرَكِنُهَا وَهُوَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَالْعُرُوفُ الْوُنْقَى ثُمَّ تَلَّ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ  
بِرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْتِيَ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُبْعِثَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ يَا  
أَيُّهَا النَّاسُ مَقَالَتِي هَذِهِ يُبَلِّغُهَا شَاهِدُكُمْ غَائِبُكُمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ عَلَيْهِمْ أَيُّهَا النَّاسُ  
وَإِنَّ اللَّهَ يَنْظَرُ ثَالِثَةً وَاحْتَارَ بَعْدِي وَبَعْدَ أَخِي عَلَيْهِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ أَحَدَ عَشَرَ  
إِمَاماً وَاحِدَأَ بَعْدَ وَاحِدِ كُلُّمَا هَلَكَ وَاحِدٌ قَامَ وَاحِدٌ مَثَلُهُ كَمَثَلُ نُجُومِ السَّمَاءِ كُلُّمَا غَابَ  
نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ هُدَّاةُ مَهْدِيُّونَ لَا يَضُرُّهُمْ كَيْدُ مَنْ كَادُهُمْ وَحَذَّلُهُمْ هُمْ حَجَةُ اللَّهِ فِي  
أَرْضِهِ وَشُهَدَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ هُمْ مَعَ  
الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ لَا يُفَارِقُونَهُ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ الْحَوْضَ. (همان)

رسول خدا علیهم السلام بالای منبر رفت و فرمود: به درستی که خداوند نظری به اهل زمین انداخت پس مرا از میان ایشان برگزید، سپس نظر دوم انداخت و علیهم السلام را اختیار نمود که برادر و وزیر و وارث و وصی و خلیفه من در میان امت و ولی و صاحب هر مؤمنی است، بعد از من کسی که ولایت او را قبول دارد، ولایت خدا را قبول داشته و کسی که او را دشمن بدارد خدا را دوست داشته و هر کس که او را دوست بدارد خدا را دوست داشته و کسی که او را به غصب آورد خدا را به غصب آورده است و به خدا قسم او را دوست نمی دارد مگر مؤمن و

دشمن نمی‌دارد او را مگر کافر و اوست نور زمین و پایه آن بعد از من و اوست کلمه تقوی و عروة الوثقی؛ سپس آیه «بِرِيدُونَ أَنْ يَطْقُنَا نُورَ اللَّهِ...» را تلاوت کرد و فرمود: ای مردم آنهایی که حاضرند این سخنان مرا به کسانی که غایبند برسانند، بار خدا ایا تو را بر ایشان گواه می‌گیرم. ای مردم، خداوند برای بار سوّم نظر نمود و برگزید بعد از من و بعد از علی بن ابی طالب<sup>ع</sup>، یازده امام، یکی را بعد از دیگری و هر کدام از دنیا رفتند، دیگری به جای او قیام کند، مانند ستارگان آسمان هستند که هر وقت ستاره‌ای غروب کند ستاره دیگری به جای آن طلوع نماید و آنها راهنمایان و راهیافتگانند، زیانی از کید مکاران به ایشان نرسد و واگذاری کسی که ایشان را واگذارد موجب ضرر ایشان نشود، ایشان حجت‌های خدا در روی زمین و گواهان خدا بر خلق او هستند و کسی که ایشان را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و کسی که معصیت آنها کند خدا را معصیت کرده، آنها با قرآن و قرآن با آنهاست و از ایشان جدا نمی‌شود و آنها هم هرگز از قرآن جدا نخواهند شد تا بر من وارد در حوض کوثر شوند.

ه) عمار بن موسی ساباطی از امام صادق<sup>ع</sup> روایت کرده که فرمود:

لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ مِنْ حَجَةٍ عَالَمٌ يَحْيِي فِيهَا مَا يَيْتَوْنَ مِنَ الْحَقِّ، ثُمَّ تَلَّا هَذِهِ الْآيَةُ: بِرِيدُونَ  
لِيُطْقُنَا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِيمٌ نُورُهُ وَلَوْكَرَهُ الْكَافِرُونَ. (صدقه، ۱ / ۱۳۹۵)

و) ابن‌بحر در طی روایتی می‌گوید:

بِرِيدُونَ إِبْطَالُ حَجَجِ اللَّهِ تَعَالَى بِتَكْذِيبِهِمْ.  
كفار اراده می‌کنند حجج خدا را با تکذیب کردن آنان از بین ببرد. (آل‌وسی،  
(۲۸۲ / ۱۴۱۵ : ۱۴۱۵)

قائلین به این نظریه غالباً امامیه هستند و به تأویل و معنای باطنی آیه تمکن جسته‌اند و این بدین معنا نیست که معنای ظاهری نورالله را نپذیرفته باشند اما معتقدند مقصود خداوند از نورالله، امامان اثنی عشر هستند که هدایت بشر از طریق ایشان صورت می‌گیرد.

### تحلیل و بررسی

تمام اقوال مفسرین فرقین، درباره «نورالله» صحیح به نظر می‌رسد؛ چراکه اسلام، دین، قرآن، رسول الله<sup>صلی‌الله‌عَلَیْهِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ</sup>، ولایت و امامت مخصوصین<sup>ع</sup> همگی مصدق «نور» می‌باشد؛ زیرا «نورالله» مفهوم

کلی و قابل صدق بر کثیرین است و مصاديق تشکیکی دارای شدت و ضعف هستند، متنه مصدق اکمل آن امامت و ولایت معموم<sup>۲۶</sup> و ماقبی مصاديق پایین تر او هستند البته مهم ترین مسئله ای که کافران و مشرکان را تهدید می کرد، وجود رسول الله ﷺ است، چراکه او حامل پیام و اجراکنده دستورات خداوند بوده و دین، اسلام، قرآن و امامت ملحق وتابع ایشان است و چنانچه دشمنان موفق می شدند رسول الله ﷺ را از میان بردارند یا شأن ایشان را پایین بیاورند، به هدف خود رسیده و اسباب خاموشی نور خدا را فراهم کرده بودند و ترکیب دو آیه ذکر شده، به این مهم تصريح دارد، چنان که می فرماید: «بُرِيَدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتَمَّمَ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ (توبه / ۳۲؛ صف / ۸) [کافران] می خواهند که نور خدا را با دهان هایشان خاموش کنند؛ [الى] خدا جز این نمی خواهد که نورش را کامل کند و اگر چه کافران ناخشنود باشند». ناگفته نماند که مفسرین گفته اند: مراد از رسوله: رسول الله ﷺ و مقصود از «بالهدا»: آن چیزی است که سبب هدایت می شود که همان قرآن و معجزات رسول الله ﷺ است؛ زیرا بر حقانیت او دلالت دارد و «دین حق» دیانت راست و درست؛ یعنی اسلام و ملت حنفیه است به صريح آیه شریفه، خدا وعده فرموده: دین اسلام را بر تمام اديان غالب گرداند؛ یعنی هیچ دینی در روی زمین باقی نماند مگر دین اسلام که در شرق و غرب عالم گسترده شود و آن زمان ظهور مهدی موعود<sup>۲۷</sup>، فرزند امام حسن عسکری <sup>۲۸</sup> حضرت حجت <sup>۲۹</sup> می باشد. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳ / ۱۵۰)

### امام حسن عسکری <sup>۲۸</sup> مصدق نور الله

در ماجراهی زندانی شدن امام حسن عسکری <sup>۲۸</sup>، کتاب ثبات الوصیه روایتی را از محمودی آورده و می گوید:

رأيت خط أبي محمد<sup>۳۰</sup> لما اخرج من حبس المعتمد «بُرِيَدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتَمَّمٌ نُورٌ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۵)  
زمانی که امام حسن عسکری <sup>۲۸</sup> از زندان معتمد خارج شد، خط آن حضرت را دیدم که نوشته بود، می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند اما خدا نور خود را کامل می نماید و لو اینکه برای کافران ناخوشایند باشد.

چنان که این روایت را، بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۱۴ / ۵۰)، همچنین مهج الدعوات (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۶) از کتاب الأوصياء ذکر نموده اند.

## بررسی و تحلیل

آنچه ذکر شد، تمام مطلبی است که در گزارش‌های تاریخی، درباره زندانی شدن امام حسن عسکری ع آمده است و کتب روایی و تاریخی متقدم و متأخر غیر از اثبات الوصیه، گزارشی از زندانی شدن ایشان و وقایع آن نقل نکرده‌اند اما از همین مختصر می‌توان دریافت که امام عسکری ع با نوشتن این شریفه در نظر دارد، خود را مصدق نورالله معرفی کند و معتمد را آگاه سازد که این دسیسه‌ها و اقدام‌ها نمی‌تواند سبب خاموشی نور خدا شود و خداوند با وجود دشمنی‌ها و کراحت دشمنان و کفار آن را تمام کرده و در عالم انتشار می‌دهد.

### «نور الله» در گزارش‌های روایی و تاریخی

از گزارش‌های روایی و تاریخی موجود به دست می‌آید که معصوم هر عصر، نورخدا در آن عصر است و خداوند به هر طریقی در مقابل مکاران از نور خویش محافظت نموده و آن را انتشار می‌دهد، اینک نمونه‌هایی از این گزارش‌ها و روایت‌ها را ارائه می‌شود:

یک. کشتن عبدالله پدر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خاموش کردن نور خدا در کلام عبد مناف بن زهره روایت شده که عبد الله بن عبدالملک، زمانی که به سن جوانی و رشد رسید برای صید، به اطراف مکه رفت، در این هنگام قومی از یهود آمده بودند تا عبدالله (پدر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم) را از بین ببرند و با کشتن او، نور خدا را خاموش نمایند، یهودیان به عبدالله نگاه کردند و نور و زیستی را که می‌توانست او را پدر نبی کند در او دیدند و آماده شدند تا او را هلاک نمایند، تعداد یهودیان حاضر در معرکه ۸۰ نفر بود و شمشیر و چاقو به همراه داشتند؛ در این هنگام وهب بن عبد مناف بن زهره پدر آمنه (مادر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در آن صحراء برای صید آمده بود و دید که یهود آماده‌اند که عبدالله را بکشند، او قصد کرد که آنان را از عبدالله دور سازد، در این زمان، خیل عظیمی از ملائکه را دید که اسلحه همراه داشتند و یهودیان را دور نمودند، وهب از این اتفاق تعجب کرد و به مکه بازگشته، نزد عبدالله المطلب آمد و گفت قصد دارم آمنه را به عبدالله تزویج نمایم و عقد نمودند که از این ازدواج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم متولد گردید. (راوندی، ۱: ۱۴۰۹؛ ۱۲۹: ۱؛ مجلسی، ۱۵: ۱۴۰۴؛ ۱۱۱: ۱)

دو. جنگ بدر و خاموش کردن نور خدا توسط کفار در فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که ابی رافع مولی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گفت: زمانی که روز بدر فرا رسید، قریش صف کشیدند

و عتبه بن ریبعه و شیبیه و ولید جلو آمدند، عتبه فریاد زد: ای محمد، کسانی را نزد ما بفرست تا هم شأن ما باشند تا بجنگیم، از اینرو سه نفر از جوانان انصار به سمت آنان رفتند، در این هنگام عتبه به جوانان انصار گفت: ما شما را طلب نکرده، نیازی به مبارزه با شما نداریم و پسر عموهای خودمان را طلبیدیم، رسول الله ﷺ به انصار دستور داد برگردند و فرمود: علی، حمزه، عبیده بلند شوید و در راه آن حقی که رسول شما به خاطر آن مبعوث شد، بجنگید، چون آنان (کفار) آمده‌اند که نور خدا را خاموش کنند ... (مفید، ۱۴۱۳: ۱؛ ابن طاووس: بی‌تا، ۱۰۳؛ ابن الحدید، ۱۴۰۴: ۱۲۷؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۱؛ مازندرانی، ۱۳۷۹: ۱؛ ۱۸۸)

### سه. تصریح امام صادق علیه السلام در مراسم تدفین اسماعیل، در مورد اینکه موسی بن جعفر علیه السلام نور خدا است

زراره بن اعین می‌گوید: امام صادق علیه السلام، داوود بن کثیر رقی، حمران بن اعین و ابابصیر را صدزاد و مفضل بن عمر نیز با آنان داخل شد و گروهی نیز آمدند تا اینکه سی مرد شدند، در این هنگام امام علیه السلام فرمود: داوود، صورت اسماعیل را باز کن و او صورتش را باز کرده، فرمود: نگاه کن بین اسماعیل مردہ یا زنده است، داوود گفت: مردہ است و امام به تک تک افراد فرمود: ببینید اسماعیل مردہ یا زنده است و همه دیدند و گفتند: مردہ است، پس فرمود: خدایا شاهد باش؛ سپس فرمود: او را غسل داده و تجهیز نمایید، دوباره امام به مفضل فرمود: صورت اسماعیل را باز کن، پس صورتش را باز کرد و امام فرمود: بین مردہ یا زنده است و فرمود: همه نگاه کنید و جمعیت گفتند: بله آقای ما، مردہ است، امام فرمود: به این شهادت دهید و اثبات کنید و همه پذیرفتدند و از این کار امام تعجب کردند و امام فرمود: خدایا بر اینان شاهد باش؛ سپس اسماعیل را در قبر گذاشتند و در زمان چیدن لحد، امام به مفضل فرمود: صورت اسماعیل را باز کن و به همه فرمود: ببینید زنده است یا مردہ و همه گفتند: مردہ است ای ولی خدا و امام فرمود: خدایا شاهد باش که به زودی اهل باطل ایجاد شک می‌کنند که از این کار قصد دارند نور خدا را خاموش کنند (لیطفتو نورالله)، در این هنگام به موسی (امام کاظم علیه السلام) اشاره کرد و فرمود: والله متم نوره و لو کره الکافرون و سپس خاک‌ها را روی اسماعیل پسر شماست و امام از مردم سؤال کرد: مردہ در این قبر کیست؟ همه گفتند: اسماعیل پسر شماست و امام فرمود: خدایا شاهد باش و دست موسی را گرفت و فرمود: «هو حق و الحق معه و منه إلى أن يرث الله الأرض ومن عليها». (مازندرانی، ۱۳۷۹: ۱؛ ۲۶۷)

## بررسی و تحلیل

روایت اول. در این روایت، رسالت و نفس رسول الله ﷺ، به نور الله تشبيه شده است و می‌گوید: یهود قصد داشتند با کشتن عبدالله (پدر رسول الله ﷺ)، نور فرزندش رسول الله ﷺ را که همان نور خداست خاموش نمایند. اما خداوند به وسیله خیل ملائکه از این اتفاق جلوگیری نموده و نور خویش را حفظ کرد.

روایت دوم. این روایت، دین خدا و نفس رسول الله ﷺ را به نور الله تشبيه کرده و می‌گوید: قریش آمده‌اند تا نوری را که رسول خدا ﷺ برای آن مبعوث شده، خاموش نمایند. روایت چهارم. در این روایت، امامت موسی بن جعفر ع، با عبارت نور الله ذکر شده و امام صادق ع فرزندش امام کاظم ع را به عنوان امام و نور خدا معرفی کرده است.

## نتیجه

تفسیرین فرقین در تفسیر آیه ۸ سوره صف در ذیل ترکیب «نور‌الله» نظراتی همچون: اسلام، ایمان، دین، قرآن، نفس رسول الله ﷺ، امامت و ولایت امیرمؤمنان ع و ائمه معصومین ع را ذکر کرده‌اند که لازم است نکته‌هایی در این باره گفته شود:

۱. اضافه نور به الله از باب تخصیص است؛ یعنی نوری که برای خدا، مخصوص خدا و از طرف خدا است و خداوند باعث روشنی آن است و آن نور، روشنگر مسیر هدایت است.
۲. «نور‌الله» مفهوم کلی و قابل صدق بر کثیرین است، از این رو می‌تواند دارای مصاديق متعدد و گوناگون باشد، از این جهت همه اقوال درباره «نور‌الله» صحیح است، منتهی امامت و ولایت امیرمؤمنان ع و امامان معصوم ع، مصدق اکمل و اتم نور‌الله و اسلام، دین و قرآن مصاديق پایین‌تر و ضعیفتر «نور‌الله» هستند؛ بر این اساس، دلیل استناد معصومین ع، از جمله امام حسن عسکری ع به این شریفه در زندان معتمد این است که امامان اثناعشر ع، مصدق اکمل نور‌الله، مفسر و مبین قرآن و واسطه هدایت بشر بوده و همیشه با قرآن و قرآن با آنهاست و هدایت به‌سوی توحید، مصالح دین، شرایع اسلام، فرائض و سنن از طریق ایشان انجام می‌گیرد و با ظهور قائم آل محمد ع، این نور تمام شده و دین حق «اسلام» انتشار یافته و بر طبق وعده الهی که فرمود: «بُرِيَّدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتَمَّمَ نُورُهُ وَلَوْكَرَهُ الْكَافِرُونَ» (توبه / ۳۲) صفحه ۸) دین اسلام بر تمام ادیان غلبه می‌یابد.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، شهاب الدین سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الكتب العلمیة.
- ابن طاووس، سید علی بن موسی، ۱۴۱۱ق، تمهیج الدعوات و منهج العبادات، قم، دار الذخائر.
- ———، بی تا، سعد السعوڈ للنفس منصود، قم، دار الذخائر.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاريخ.
- إربلی، علی بن عیسیٰ، ۱۳۸۱ق، کشف الغمة، تبریز، چاپ مکتبة بنی هاشمی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- حائزی تهرانی، میر سید علی، ۱۳۷۷، مقتضیات الددر و ملتفطات الشمر، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، ۱۴۰۹ق، تأویل الآیات الظاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات.
- حوزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار السامیه.
- راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ق، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
- زحیلی، وهبة بن مصطفی، ۱۴۱۸ق، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، بیروت، دار الفکر المعاصر.
- زمخشیری، جار الله محمود، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غواصین التنزيل و عيون الاقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الكتاب العربي.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، بیروت، دار الفکر.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ق، البلاع فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مؤلف.
- صدقی، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، کمال الدین و تمام النعمة، قم، دار الكتب الإسلامية.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، تحقيق محمد جواد بلاغی تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقيق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البيان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.
- کاشانی، ملافتح‌الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد‌حسن علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- مازندرانی، ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ ق، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الأنوار الجامعة للدرر أخبار الأئمة الاطهار*، بیروت - لبنان، مؤسسه الوفاء.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴، *اثبات الوصیه*، قم، انصاریان.
- معترلی، ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی.
- مفید، ۱۴۱۳ ق، *الإرشاد*، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.

